

# سازمان کلی: معماران ایران از دورا تبراه ری

کتاب‌های مصور و نیز سفرنامه‌های قدیمی، تصویری از معماری ایران به دست می‌دهند که به صورت عکس، نقاشی و طرح عرضه شده‌اند. آنچه این تصاویر به نمایش می‌گذارند اکثراً نمودهایی از مسجد و مناره، گنبد و گلدسته است در پس زمینه‌ای کویری و یا آن‌طور که این بناها را می‌توان با نگاهی گذرا از میان کوچه‌های پرپیچ و خم مشاهده کرد. اینها تصاویری هستند که بر ذهن عامه مردم مسلط است و از این جنبه با تصویری که به عنوان مثال صحنه‌های افسانه هزار و یک‌شب در آن جریان دارد، قابل مقایسه. یعنی باغچه‌هایی عرفانی و شاعرانه مملو از گل سرخ و بلبل و باغ‌هایی با درختان سرو و بید مجنون و حوضچه‌هایی با کاشی فیروزه‌ای.

این تصاویر آشنا در تناقضی آشکار با آنچه واقعاً در شهرهای ایران به چشم می‌خورد، قرار دارند. تصویر حقیقی شهرهای ایران آکنده از ساختمان‌های چندین طبقه، سازه‌های بتونی، دیوارهای بلند، شیشه‌های آینه‌ای و بزرگراه‌هایی است که درهم تنیده‌اند. یعنی تمامی آن چیزهایی که می‌توان و سوسه‌های مدرنیسم یا مدرنیته نامید.

درواقع هر دوی این تصاویر در ذهن ما در کنار یکدیگر به زندگی خویش ادامه می‌دهند. درواقع نیز هریک از شهرهای کشور مملو از تصاویر متضادی است که هر ناظر گذرای را مورد هجوم قرار می‌دهد. کوچه‌های تنگ و خیابان‌های پهن، بلوارهای خشک و خالی، نماهایی که یادآور سبک آرت دکو Art Deco است، گچ‌بری‌های اعجاب‌انگیز، سازه‌های بتونی، آجری، چنارهای قدیمی

که احترام هر بیننده‌ای را برمی‌انگیزد. همه این تصاویر در کنار خطوط برق و تلفن نه فقط در ذهن ما در کنار یکدیگر وجود دارند، بلکه در یک کوچه یا یک محله نیز به همزیستی با یکدیگر ادامه می‌دهند. تمبر پستی‌ای وجود دارد که مجموعه این تناقضات را یکجا در خود جای داده است. این تمبری که در ۹ بهمن سال ۱۳۳۱ به مناسبت کشف نفت در قم، منتشر شده است و شامل تصویری از یک مسجد در پسزمینه و نمای یک چاه نفت در جلو است. مسجد و دکل نفت را ستون‌های تخت جمشید در بر گرفته است. در واقع تصویر این تمبر چکیده عناصری است که معماری مدرن ایران را تشکیل می‌دهند، یعنی مسجد، دکل چاه نفت و یک بنای تخریب شده. نکته جالب توجه اینکه، چاه نفت و مسجد را حقیقتاً می‌توان همزمان و در یک شهر پیدا کرد، اما ستون‌ها به مثابه میراث مشترک فرهنگی کشور هستند و به دوهزار و پانصد سال پیش تعلق دارند. در واقع اگر هم نفتی در شهر قم کشف نشده بود، این تصویر همچنان به قوت خود باقی بود. چراکه مسجد می‌توانست هر مسجدی باشد، چاه نفت را می‌توان با هریک از سازه‌های مدرن جایگزین کرد و ستون‌ها نمادی هستند از دوران سپری شده.

مهم این است که عناصری متعلق به حیطه معماری برای به نمایش گذاشتن ارزش‌های فرهنگی انتخاب شده‌اند. در واقع معماری، موضوعی است که همواره و به طور مستمر در فرهنگ ما وجود داشته است: برای ما ایستگاه راه‌آهن، پل و ساختمان‌های بلندمرتبه نمادهای مدرنیته هستند و مسجد و قصر و خرابه، نمادهای سنت. فضاها و معماری ایران مملو از این تصاویر است؛ تمبرهای ما نیز به همین.

تمبرهای ایران به طرز اعجاب‌آوری تاریخ معاصر کشور را به نمایش می‌گذارند. با ورق زدن کتاب راهنمای تمبرهای ایران که از سوی مؤسسه فرح بخش تهیه و تنظیم شده است، می‌توان صفحاتی از تاریخ کشور را مطالعه کرد. البته تاریخ کشور به آن صورتی که سفارش دهندگان و طراحان تمبرها آن را نوشته‌اند. صور پادشاهان با تاج و تخت‌شان، شیر و خورشید، پهلوانان و شعرا، فلاسفه و پرستاران، گل‌های مختلف، شهدا، فضانوردان، کشتی‌گیران و بازیگران فوتبال، هفت‌سین و حاجی فیروز، جواهرات ترکمن، ایلیاتی‌ها، بازیگران والیبال و نیز اهالی فلسطین در زمره این تاریخ قرار دارند. همچنین ناصرالدین‌شاه و میرزا کوچک خان، دهخدا و خیام و ناصر خسرو و مصدق، علامه طباطبایی و سید محمد باقری را تمبرها به تصویر کشیده‌اند. رضاشاه و محمدرضا شاه، پروین اعتصامی و جلال آل احمد، فردوسی و امیرکبیر و آیت‌الله بهشتی و پرفسور حسامی موضوع تمبرهای دیگری هستند. و البته آنچه به وفور مشاهده می‌شود، بناهای مختلف اند.

اولین تمبرهایی که به نقش یک بنا مزین بود در سال ۱۲۹۳ ه.ش به مناسبت تاجگذاری احمدشاه منتشر شد. صحن امام رضا(ع) در مشهد، دروازه تهران، عالی‌قاپو، قصر شاه در انزلی، چهلستون و نمای داخلی و خارجی مجلس، از جمله مناظری بودند که در این تمبرها به نمایش

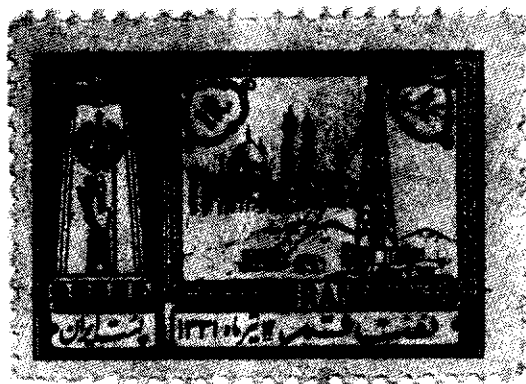
درآمده اند. این تمبرها هیچوقت مورد استفاده قرار نگرفت. سال بعد، تمبرهای جدیدی به مناسبت تاجگذاری احمدشاه منتشر و به جریان افتاد که نقش آنها خرابه های تخت جمشید بود.

در همان اولین تمبرهای منتشره می توان همزیستی نو و کهنه را به وضوح مشاهده کرد. در واقع نیز در همین مجموعه های اولیه که عملاً سعی ای است ناکام، یک قصر قاجاری به سبک باروک و همچنین یک دروازه باروک و یک ویلای باروک که به وسیله سپهسالار ساخته شده اند با چهل ستون و عالی قاپو همجوار گشته اند. از زمان انتشار این تمبرها تا به امروز، دروازه تهران خراب شده است، مجلس یک بار بمباران و سپس تعمیر شده است و دوبار طعمه حریق و باز ترمیم شده است. اما چهلستون و عالی قاپو همچنان مانند قرن پیش پابرجا مانده اند.

در این مجموعه، کنار هم قرار گرفتن دوره های مختلف هنوز از ظرافتی برخوردار است. هرچه باشد، فاصله زمانی میان عالی قاپو و قصر بندرانزلی چندان زیاد نیست.

هنوز تأثیر غرب قدرتی را که در دهه های بعد شاهد بروز آن هستیم، به دست نیاورده است. البته شمس العماره به طرز کاملاً فاحش الگوبرداری از معماری اروپایی است و تکیه دولت نیز روی الگوی اروپایی آمفی تئاترها ساخته شده و قصر فیروزه به نحوی ساخته شده است که کاملاً قصر تروکادرو را تداعی می کند. به همین منوال می توان از قصرها و خانه های ویلاقی دیگری نام برد که از روی کاخ باکینگهام و سایر ابنیه اروپایی الگوبرداری شده اند. در واقع تأثیر اروپا حتی در همین دوران نیز بر معماری ایران آشکار است.

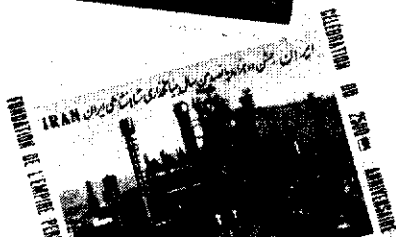
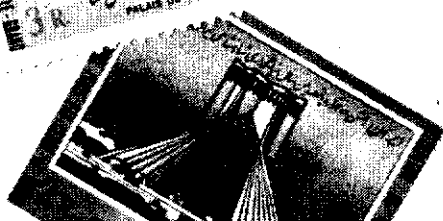
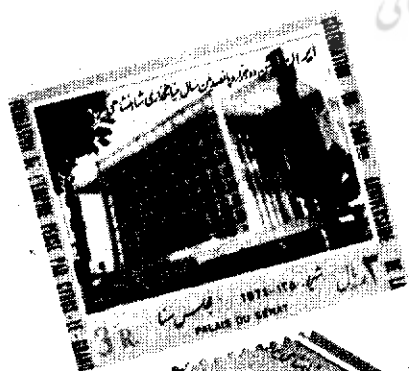
در عین حال با رجوع به عکس ها و کارت پستال ها می توان مشاهده کرد که فاصله بین الگو و بنای ساخته شده در این دوران آن چنان است که مجموعه تمام شده رامی توان ایرانی نامید، حال الگو، هرچه بوده باشد. اولین تمبرهایی که حاکی از فرادستی شیوه های غربی و پدید آمدن نقش های مرکب و متناقض در معماری و صدا البته در ارزش های اجتماعی ایران است، با روی کار آمدن رضاشاه منتشر



شدند. تقریباً بیست سال پس از مجموعه تمبرهایی که به مناسبت تاجگذاری احمدشاه منتشر شدند، مجموعه دیگری که موضوع آن برگرفته از معماری بود به جریان گذاشته شد. این دوره مصادف است با دورانی که برنامه های عمومی رضاشاهی آغاز گشته بود. از همین رو تمبرهایی که در سال ۱۲-۱۳۱۱ منتشر شدند فرودگاه دوشان تپه، مهمانسرای سخت سر، خرابه های تخت جمشید، اداره پست و گمرک، پل رودخانه کارون، ناوچه پلنگ، کارخانه سیمان ری را به نمایش می گذاشتند. چارچوب بسیاری از این تمبرها، ستون های تخت جمشید بودند. این تمبرها ملغمه عجیبی بود از فرودگاه، کارخانه، بیمارستان، پل، قصر هخامنشی و اداره پست و گمرکات که به شیوه هخامنشی مدرن ساخته شده بودند. دو تمبر در این مجموعه استثنایی است و این ویژگی شان کاملاً به چشم می آید. یکی تصویر فرشته عدالت که زنی است با چهره اروپایی و ترازو و باقی چیزها و دیگری نمای فرشته اروپایی است که نماد تعلیم و تربیت است.

معماری غربی، نهادهای غربی و نمادهای غربی بر تمبرهای این دوران مسلط هستند. در واقع نیز بسیاری از ساختمان هایی که تصویرشان بر روی این تمبرها آمده به طرز فاحشی اروپایی هستند. هم بناهای عمومی و هم کارخانجات رامهندسین و شرکت های خارجی ساخته بودند. حال سازنده کامپ ساکس نام داشته یا سنتاب یا اسکودا. طراحان و آرشیکت ها نیز سوئدی، دانمارکی و چک واسلوک هایی بودند نه چندان شهر که تا امروز نامی از آنان باقی مانده باشد. در واقع در این دوران، مهم ساختن بود و نه طراحی.

در همین دوران یعنی در دوران حکومت رضاشاه است که یک شیوه و شاید بتوان گفت نوعی زیبایی شناسی ویژه شکل گرفت به این صورت که ترکیبی از سه عامل به عنوان ترکیب موردپسند مطرح گشت. ترکیبی شامل عجایب تکنولوژیکی (ناوچه پلنگ) و بناهای شهری مدرن (اداره پست و



گمرکات) و سرانجام بناهای تاریخی (تخت جمشید). این گرایش تا سال‌ها بعد از رفتن رضاشاه ادامه داشت و بازتاب آن در مجموعه‌هایی که در سال‌های ۲۵-۱۳۲۱ در دوران محمدرضا شاه منتشر شد، دیده می‌شود.

اولین مجموعه تمبرهایی که در دوران حکومت محمدرضا شاه منتشر شد تصاویری است از انبار غله اهواز، پل دیگری بر رود کارون، پل ورسک، قطاری بر روی پل، نمای روبرو وکناری موزه ایران باستان، کاخ دادگستری و مدرسه بی‌نامی که بی‌شبهت به دبیرستان البرز نیست. این گرایش که بنا بر آن به موزه و انبار غله و پل و وزارتخانه به یک اندازه و همزمان اهمیت داده شود، سال‌ها ادامه داشت و به صورت مجموعه‌هایی از تمبر که در آنها معماری و تکنولوژی به صورت التقاطی در کنار هم حضور داشتند، بروز می‌یافت. سالیان سال بعد است که این گرایش جای خود را به گرایش دیگری می‌دهد که در آن سرانجام موضوع‌های مختلف یعنی بناها، عجایب تکنولوژیک و میراث‌های تاریخی هریک مجموعه‌ای جداگانه را به خود اختصاص دادند.

اما تا رسیدن این گرایش جدید، گرایش غالب همچنان همزیستی موضوع‌هاست. در سال ۱۳۲۸ مجموعه سومی از تمبر به چاپ می‌رسد که در آن ساختمان پست و تلگراف، بانک ملی، هتل رامسر، قصر سلطنتی قدیمی، مسجد سه‌سالار، میدان راه‌آهن و مسجد گوهرشاد به تصویر آورده شده‌اند. بنای مجلس، عالی‌قاپو و کاخ دادگستری که در مجموعه پیشین آمده بود، در این مجموعه نیز حضور داشت. ساختمان پست و تلگراف مانند بسیاری از ساختمان‌هایی که در این تمبرها دیده می‌شود، بعدها خراب شد.

در همین دوران است که طراحی و ساخت یک بنا به عنوان دو حرفه متمایز از یکدیگر قابل تشخیص می‌شود و معلوم می‌شود که گوادر فرانسوی طراح موزه ایران باستان بوده است و هاینریش آلمانی طراح بانک ملی و مارکف که یک روس سفید و زمانی در خدمت بریگاد قزاق رضاخان، طراح دبیرستان البرز و به احتمالی مسئول طراحی ساختمان پست و تلگراف بوده است. البته این شناسایی شامل همه معمارها نشد و کاخ دادگستری همچنان با نام شرکت مهندسی اسکودا عجین بود و ساختمان راه‌آهن با نام شرکت کامپساکس.

همچنین در همین دوران است که مجموعه‌ای منتشر می‌شود که فقط به بناهای تاریخی اختصاص دارد. این بناها عبارت بودند از گنبد علی ابرقو و مساجد جامع اصفهان و اردستان.

خاکسپاری مجدد رضاشاه منجر به انتشار تمبری در روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۹ می‌شود که منقوش به تصویری از مقبره اوست. تمبر دیگری به مناسبت اولین ساختمانی که به وسیله معمارهای ایرانی (فروغی و شرکاء) طراحی شده است منتشر شد و هفتصد و هفتادمین سالگرد تولد سعدی بهانه‌ای شد برای انتشار تمبری با عکس مقبره او و نیز دروازه قرآن شیراز. بعد از اینها نوبت به تمبر یادبود کشف نفت در قم می‌رسد، که پیش از این، از آن یاد کردیم. همراه با اولین سالگرد ملی شدن

صنعت نفت، تمبرها از تصاویر پالایشگاه نفت، چاههای نفت، لوله‌های نفت مملو می‌گردند. سال ۱۳۳۲ است و دیگر تقریباً خبری از تصاویر تلفیقی بین تکنولوژی، معماری و میراث تاریخی نیست. به نظر می‌رسد که به هر موضوعی به طور جداگانه پرداخته شده است. اما مواردی هم هست که نشان می‌دهد تا چه حد تمایل به مخلوط کردن پیشرفت و باغ و بوستان و شعر و شاعری و مذهب و سنت شدید است.

در سال ۱۳۲۴ به مناسبت پنجاهمین سالگرد مشروطیت مجموعه‌ای منتشر می‌شود حاوی تصاویر متعددی از سردر مجلس، فرشته بالدار آزادی و تصویری از سردر قدیمی مجلس. مجموعه دیگری داریم شامل بیمارستان مدرن نمازی، تصویری از باغ بیمارستان، حافظ و آرامگاه او، یک گارد جاویدان هخامنشی و دروازه قرآن شیراز.

صدمین سالگرد تأسیس تلگرافخانه در سال ۱۳۳۵ منجر به انتشار تمبر یادبودی شد با تصویری از تلگرافخانه قدیمی تهران و ششمین کنگره پزشکی موضوع انتشار دو تمبر بود، یکی شامل تصویر یک خانه رامسر. پنجاهمین سالگرد بی‌سیم ایران موضوع انتشار دو تمبر بود، یکی شامل تصویر یک خانه قدیمی قاجار است که سازنده‌اش معلوم نیست و محل اولین دستگاه بی‌سیم بود و دیگری تصویر یک دستگاه بی‌سیم مدرن است که توسط شرکت مهندسی هوختیف آلمانی ساخته شده بود.

در طول سال‌های متمادی بناها و سازه‌های متعددی موضوع تمبرهای دیگری قرار گرفتند: پلی دیگر بر روی کارون (۱۳۳۸)، ستون‌ها و چادرهای تخت جمشید (۱۳۳۹)، کارخانه تصفیه قند خوزستان (۱۳۴۱)، سد کرج (۱۳۴۱)، سد سفید رود (۱۳۴۱)، سد مجمدرضا شاه (۱۳۴۲)، سد شهناز (۱۳۴۲)، حتی تمبری به مناسبت افتتاح هتل هیلتون (۱۳۴۱) در تهران منتشر شد. کارخانه عظیم کود شیمیایی (۱۳۴۲)، ساختمان به اصطلاح مدرن تحقیقات آفات نباتی (۱۳۴۳)، سردر مجلس (۱۳۴۴) و سردر مجلس که به آن نمادی نشانگر اعطای حق رأی به زنان اضافه شده بود در همان سال. خرابه‌های تخت جمشید بار دیگر موضوع تمبر دیگری قرار گرفتند و مجلس سنا برای اولین بار در سال ۱۳۴۵ بر روی تمبری ظاهر شد و بدین صورت تعداد بناهایی که به وسیله فروغی طراحی شده بودند و موضوع تمبری قرار گرفتند به سه عدد رسید. اولین آن مقبره رضاشاه و دومین آن هتل هیلتون بود. سال ۱۳۴۶ غرفه ایران در نمایشگاه Expo'67 که توسط فرمانفرمایان طراحی شده بود و به نظر بسیاری، بهترین کار او بود، بوسیله انتشار تمبری جاودانه شد. این سال‌ها در عین حال آغاز دورانی بود که معماری ایران با کارهای افرادی همچون سیحون، امانت و درویشی ارج و منزلتی به دست آورد.

سال‌ها بدین ترتیب سپری می‌شد و ساختمان میدان شهید (آزادی)، ساختمان مجلس سنا، کارخانه ذوب آهن، سد امیرکبیر (۱۳۵۰)، پالایشگاه نفت، پل‌های معلق، سدها در کنار مناظر عیدیه‌ای از گنبد مسجد گوهرشاد و چهلستون و به همراه استادبوم صد هزار نفری و پارک فرح آباد بر

روی تمبرهای مختلف ظاهر می شدند. «ناوچه پلنگ» موضوع تمبر دیگری قرار گرفت که به کلی بی ارتباط با موضوع بود و سردر مجلس با ظاهر شدن بر روی یک تمبر در هر سال یادآور آمدن و رفتن سالگرد مشروطیت بود. و اوضاع به همین صورت بود تا انقلاب. ناگهان همه چیز تغییر کرد. نه دیگر اثری از هتل و وزارتخانه و دروازه بر روی تمبرها هست و نه از مجلس. درعوض مساجد به وفور دیده می شوند. مسجد امام در اصفهان، مسجد قم (اینبار به عوض ستون های تخت جمشید و دکل نفت، یک مشت گره کرده در کنار آن آمده است). مسجد گوهرشاد همراه با توده خشمگین که یادآور اعتراض مردم مشهد و به توپ بستن مسجد است و صحن مسجد امام رضا(ع). در کنار تصاویر متعددی که از مساجد و مناره ها به چشم می خورد، خانه کعبه و مسجد قدس دیگر بناهایی هستند که بر روی تمبرها ظاهر می شوند.

خانه کعبه در صورت مختلف موضوع تصویرگری تمبرهاست. یک بار خانه کعبه کلمه خون در اطراف آن پاشیده شده است، بار دیگر خانه کعبه همراه با زائران، بار سوم خانه کعبه با شعله های آتشی و بارهای دیگر خانه کعبه به تنهایی. مسجد قدس باسیم خاردار به شکل ستاره یهود، مسجد قدس با سیم خاردار و نقشه اسرائیل، مسجد قدس با مسلسل و مسجد قدس با رنگین کمان. همراه با این تمبرها، تمبرهای دیگری هستند که به یادبود میراث فرهنگی منتشر شده اند. ارگ بم، چغا زنبیل، مسجد شوشتر، ارومیه، کرمان و قزوین، صحن امامزاده حسن در قزوین، قلعه ارک در تبریز و مقبره دانیال در شوش. اما از تخت جمشید، عالی قاپو و چهل ستون دیگر اثری نیست.

تاریخ تمبرهای ایران نوعی تاریخ گزینشی معماری ایران است؛ درعین حال آنچه گزینش شده است به معنایی جالب توجه تر است. کتاب راهنمای تمبر که صفحات پی در پی آن مبنای نوشته حاضر بوده است از سال ۱۳۴۷ (ه.ش) آغاز و به تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۷۱ ختم می شود. در خلال این سال ها به تصاویری برمی خوریم که بعضاً مضحک و بعضاً بی نظیر هستند. اما در میان تمامی بناها و سازه هایی که موضوع تمبر بوده اند حتی یک تمبر هم از شمس العماره یاد نمی کند، یک تمبر از صحن حضرت عبدالعظیم نیست، حتی یک تمبر به یادبود بافت شهر یزد، کرمان، نائین... و ماسوله منتشر نشده است. هیچ تمبری برای کار دیبا در موزه هنرهای معاصر و یا بناهای ساخته شده توسط اردلان، سردار افخمی یا مظلوم منتشر نشد، خانه بروجردی فراموش شده است، همینطور نگارستان شیراز و بسیاری دیگر از ساخته هایی که نه فقط مورد توجه معماران هستند، بلکه توجه بیننده معمولی را نیز به خود جلب می کنند. دیگر فراموش شدگان عبارتند از تکیه دولت، سردر باغ ملی و قصر قاجار. حتی یک تمبر با تصویری از بازار منتشر نشد، چه برسد به اینکه تیمچه امین الدوله کاشان موضوع تمبری قرار گیرد. و جالب آنکه کم نیستند بناهایی که تصویرشان بر روی تمبری آمده است و سال هاست خراب شده اند.

هر دوره ای ساختمان ها، تصاویر و نمادهایی را که می خواهد به یاد بمانند انتخاب می کند. در

دوره ای بناهای مدرن و سازه های تکنولوژیک انتخاب می شوند و در دوره ای دیگر بناهای سنتی و هر دوره گذشته ای را بزرگ می دارد. واقعاً مشکل بتوان فهمید که چطور یک کارخانه تولید سم یا یک هتل نسبت به مهم ترین بناهایی که نمایانگر معماری مدرن یک کشور هستند، اولویت پیدامی کنند. همینطور سخت است فهم این مطلب که چگونه تحول چند سوره معماری یک ملت به کلی نادیده گرفته شده است. شاید بتوان همین گزینش و یا عدم گزینش یک بنا را که حکایتی از عصاره تناقضات عجیب و پیچیده در بطن معماری، فرهنگ و هویت ایرانی است به عنوان پاسخ به پرسش های فوق کافی دانست. تناقضات عجیب و پیچیدگی هایی که کمتر تصویری همچون تمبر یادبود کشف نفت در قم آن را بازگو می کند.

کشف نفت ۱۳۲۸



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی